

کتاب المشاعر، دوره اول

المشعر الثامن، المنهج الثاني: في نبذ من أحوال صفاته تعالى (المشعر الرابع: في الإشارة إلى كلامه تعالى و كتابه)، جلسته ۱۰

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۳۷/۰۳/۰۳ هجری قمری مقارن با ۱۳۹۴/۰۹/۲۴ هجری شمسی

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ، إِنَّهُ خَيْرٌ مُّوَفَّقٍ وَمُعِينٌ»

پس نظر معتزله مشخص شد، معتزله قائل به خلق اصوات هستند. خدا متکلم است، یعنی صدا خلق می کند و صدا ایجاد می کند. می دانید بسیاری از امامیه از متکلمین هم تابع معتزله شدند و گفتند که درست است. «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا»، یعنی خدا صدا ایجاد کرد؛ وگرنه خدا که حرف نمی زند.

صدرا یک نقدی دارد و می گوید که براساس توحید افعالی، هر چه صدا است، صدای خداست. شاعر چه گفت:

همه عالم صدای نغمه اوست که شنید این چنین صدای دراز؟ ۲

یعنی چه؟

من هم دارم الآن حرف می زنم، خدا حرف می زند، توحید افعالی یعنی همین. روایت از امام صادق (علیه السلام) است، حضرت به نماز ایستادند، رسیدند به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^۳، در مفتاح الفلاح ۴ شیخ بهایی است. مرتب گفتند: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، «حَتَّى سَمِعْنَاهَا مِنْ قَائِلِهَا»، این خدا است که دارد می گوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». من دارم می شنوم، ولی خدا دارد می گوید از زبان من.

صدرا می گوید که اگر مراد این باشد، پس هر کلامی باید کلام خدا باشد، چون همه صداها را خدا ایجاد می کند، چون خدا فاعل است.

بگذارید برهانی حرف بزنم که تعجب نکنید!

این صحبت هایی که انجام می دهید شیء هست یا شیء نیست؟

شیء است، شیء یعنی چیز. شیء «اعمال المفاهیر» است. الآن این حرف هایی که من می زنم شیء هست یا نیست؟ شیء است. این صغری بود. کبری، خدا فرمود: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ»^۵، هر چیزی را خدا می آفریند. پس چه شد؟

حرف من، صدای من، سخن من شیء است. خدا خالق هر شیء است. پس خدا دارد صحبت می کند. صدرا می گوید که اگر متکلم بودن خدا یعنی ایجاد صدا، پس هر کلامی باید کلام الله باشد و این را شما متکلمین نمی گوید!

گذشته از اینکه شما می گوید که ایجاد صوت، کلام خداست، سؤال می کنیم این اصواتی که خدا ایجاد می کند و کلام خداست، حادث است یا قدیم؟

قهرماً حادث است. چون حادث است، خدا باید قبلش یک حرفی بزند که این ایجاد بشود. چرا؟

چون فرمود: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۶، یک «کن»، باید بگوید. نقل کلام می کنیم به آن «کن». آن هم حرف است، پس حادث است. پس باید یک «کن»، قبل از آن باشد. اینکه تسلسل است، یا دور است یا تسلسل!

می گویم که پس نظر شما چیست جناب صدر المتألهین؟

می فرماید که صدای متعال دو جور کلام دارد؛ یک کلام موجودات هستند. همه عالم کلام خداست. چرا؟ کلمه و کلام، کارش چیست؟

تفهیم و نشان داد «ما فی الضمیر» است. الآن من دارم یک ساعت خودم را این جا می گشتم تا «ما فی الضمیر» خودم را به شما برسانم، با اینکه هم سرما خوردم، هم سینه ام گرفته است. دارم «ما فی الضمیر» را با کلمات می فهمانم.

خدا یک «ما فی الضمیر» دارد، علمی، قدرتی، حیاتی، این را با عالم نشان داده و فهمانده است که این آب است، این خاک است، این طلا است، این فلک است، این ملک است، این جن است، این گل است، این ریحان است. همه اینها کلمات خدا هستند. قرآن را هم فرمود. فرمود تمام عالم جمع بشوند، کلمات خدا را نمی‌توانند بشمارند. کلمات یعنی آیات، یعنی موجودات.

پس کلام الهی، یعنی عالم. عالم کلام خداست. موجودات تک تک، کلمه الهی هستند. راجع به عیسی (علیه السلام) چه داشتیم؟

«و کلمه منه ۷»، کلمه خداست. راجع به موجودات: «کلماتُ الله ۷»، اینها تعبیرات قرآنی است.

پس یک: خدا متکلم است. کلام او عالم است، چون عالم بیانگر علم و اراده الهی است که عین ذات اوست. کلام هم معنایش همین است که کلام بیانگر علم و اراده من و ذهن من است.

دوم: خدای متعال به بعضی از انبیاء هم کلام لفظی مکتوب داده که کتاب است: «أَخَذَ الْأَلْوَابِحَ وَ فِي نُسُخَتِهَا هُدًى وَ رَحْمَةٌ ۸»، تورات الواح بود و از عالم غیب آمد، این کتاب الهی است.

پس این دو معنا برای کلام و کتاب قابل پذیرش است. عبارات را خودتان مطالعه کنید، ما از جلسه بعد می‌رویم برای فصل بعدی انشاء الله.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»

فهرست منابع

۱. سوره غافر، آیه ۷۸.
۲. دیوان اشعار عراقی، تجیعات، شماره ۲، بند ۵.
۳. سوره حمد، آیه ۵.
۴. مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات (ط - القدیمة)، ص ۳۷۲.
۵. سوره زمر، آیه ۶۲.
۶. سوره یس، آیه ۸۲.
۷. سوره لقمان، آیه ۲۷.
۸. سوره اعراف، آیه ۱۵۴.